

## القای تعارض «علم» و «دین»

دانشگاه به لحاظ برخورداری از یک زیر ساخت و بافت علمی و تحقیقی، به مثابه مجموعه‌ای بسیار منظم، هدفمند و ارگانیک عمل می‌کند. دانشگاه همچون یک موجود «زنده»، برای خود «فرهنگ»، «زبان» و قواعد «حیاتی» مشخصی دارد. برخی از کج اندیشان با اقامه این دلیل که دانشگاه به مثابه یک موجود زنده، پیام‌ها و سلیقه‌های بیگانه، ناسازگار و غیر همخوان با خود را نمی‌پذیرد و پس می‌زند، سعی در اشاعه این باور دارند که اسلام در دانشگاه نمی‌تواند منشأ اندیشه و علم باشد و «دین» و «دانش» به جهت عدم ارتباط موضوعی با یکدیگر، لزوماً اثری از هم نمی‌پذیرند.

در این دیدگاه، گسترش مبانی اسلامی در ماهیت و قوام دانشگاه، یعنی سرفصل‌ها و مطالب درسی و به ویژه برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در مقطع کلان، نشدنی است و در صورت میسر بودن، یک تحول واپس‌گرایانه و مرتجعانه

معرفی شده است؛ چرا که آموزه‌های اسلامی با یافته‌ها، دستاوردها و ستون دین و کمال انسان، تشبیه و تعبیر شده است. در این منظر، دانشگاه اسلامی حرکت و یا تصمیمی که کوچکترین ضربه‌ای به ساختار علمی و تحقیقی دانشگاه وارد بیاورد را بر نمی‌تابد و بلکه با تمام توان سعی در اعتلای هویت علمی آن دارد و به فرموده مقام معظم رهبری: «دانشگاه اسلامی باید مرکز عالی‌ترین پیشرفت‌های علمی باشد».

بنیان اصلی دانشگاه هم که بر کیفیت روابط نیروهای انسانی استوار است، در دانشگاه اسلامی به گونه خاصی ملحوظ گشته است. ابتناء روابط نیروهای انسانی بر اصول و ارزش‌های متعالی (به ویژه بین استاد و دانشجو) از مصادیق برجسته آن است. اسلام در تمامی عرصه‌ها پاسداشت مقام «علم و عالم» را مقدس‌ترین وظیفه هر شهروند مدینه طیبه اسلامی می‌شناسد. خدمات و برکاتی که حاکمیت بیش توحیدی و اسلامی، برای تألیف و تدوین کتاب‌ها و مواد

# دو مانع اصلی در مسیر اسلامی شدن دانشگاهها

جواد توکلی بزاز\*

درسی و نیز تغییر انگیزه و روحیه مخاطبین (استاد و دانشجو) به ارمغان می‌آورد، بسیار برجسته و مغتنم بوده و هست.

در حال حاضر در تدوین علوم، اثر و نشانی از علت‌های فاعلی یا غایی، مثلاً در علم پزشکی، نیست. گویی موضوع مورد مطالعه دانشجویان پزشکی، یک جسد و لاشه بی هویت و بی کرامت است. بنا به تشبیه برخی محققان، علم پزشکی فعلی یک علم جنازه‌ای است و در این علم، از مبدأ و معاد نمی‌توان نشانه و یا سراغی گرفت.

اگر دانشجویان ما به این بینش کلی‌نگر و توحیدی برسند، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در فراگیری و ابتکار علمی پیدا خواهند کرد. به عنوان مثال بسیاری از یافته‌ها و نکات مندرج در آثار حکما و دانشمندان گذشته ما همچون بوعلی، با

است و با فن‌آوری‌های جدید ارتباطی ندارد و پیشرفت علم را در قالب همان سیاق و سلیقه‌ای می‌خواهد که احیاناً توجهی به نیازها و گرایش‌های انسان‌ها و امور دنیوی ندارد و حداکثر و تنها در مقام تأیید حکمت‌ها، مبانی دینی و قوانین الهی، علم را در بستر تجربه به خود می‌خواند؛ ولی در مقابل، خود چیزی به علم اعطاء نمی‌کند و در نتیجه علم از این داد و ستد یکسویه، طرفی بر نمی‌بندد. این نظر معتقد است که هر گونه تحول در محتوا و ساختار اداری و آموزشی دانشگاه، امری مضر برای حال و آینده دانشگاه است و طرح مسئله اسلامی شدن دانشگاهها نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست.

تمامی ملاحظات و ارزشهایی که در تحکیم شاکله دانشگاه به عنوان یک نهاد علمی، نقش اساسی دارند، در فرهنگ والای دین مبین اسلام، اموری تعریف شده و ملحوظ‌اند. موضوع اصلی دانشگاه یعنی «علم»، موقعیت و اهمیت تام و تمامی در این فرهنگ دارد و با مضامینی چون: حیات دل، وسیله هدایت، نگهبان انسان، میراث پیامبران،

\* - دکتر جواد توکلی بزاز، دبیر اجرایی شورای عالی انطباق امور پزشکی با موازین شرع

مقدس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

بسیاری دیگر از این مصداق‌ها را خوانندگان محترم می‌توانند به خاطر بیاورند.

### ماهیت خاص مدیریت در دانشگاه

فرآیند مدیریت در دانشگاه‌ها به اقتضای موضوعیت و محوریت علم در آن، ماهیتی «غیر متمرکز» دارد. یعنی شخص ریاست دانشگاه به تنهایی نمی‌تواند و نمی‌باید سلسله جنیان حرکتی باشد و این موقعیت، اعمال سیاست‌های متخذه را بر قلمرو دانشگاه در مقایسه با سایر نهادهای اجتماعی، قدری مشکل‌تر می‌کند.

برخی با بیان این ماهیت، ایجاد تغییر و تحول را به شکل صحیح و سازنده آن در دانشگاه‌ها، امری تقریباً محال و ناممکن قلمداد می‌کنند.

نظام مدیریت خاص دانشگاه‌ها، نقطه قوت و اطمینانی برای تعیین صحیح‌تر اهداف و سیاست‌ها می‌باشد. استفاده از نظریات مشورتی مدیران محترم گروه‌های آموزشی، رؤسای محترم بخش‌ها و دیگر اساتید محترم، ضمن آن که مدیریت را از روشنگری‌ها و راه‌نمایی‌های این همکاران بهره‌مند می‌نماید، بلکه مدیریت را نیز با مشارکت و همراه ساختن این افراد، از حمایت و پشتوانه آنها برخوردار می‌سازد. استفاده صحیح و بجا از نیروهای دانشگاهی (حتی دانشجویان)،

امکانات و ابزار عملی آن دوران، سنخیت و هماهنگی نداشته است. ما امروز بسیاری از یافته‌های حکمای گذشته خود را در زیر میکروسکوپ الکترونیکی، تأیید شده می‌یابیم. قطعاً، بینش و بصیرتی که آن بزرگان به سبب اجتماع توأمان «علم و اخلاق»، «تزکیه و تعلیم» و «دین و دانش» داشته‌اند، در پرورش و عرضه چنین استوانه‌هایی تأثیر ژرف داشته است. تأمل مختصری در احوال و آثار این بزرگان و حکما، نشان از وجود صفت‌های ممتاز در تکوین شخصیت آنها می‌دهد.

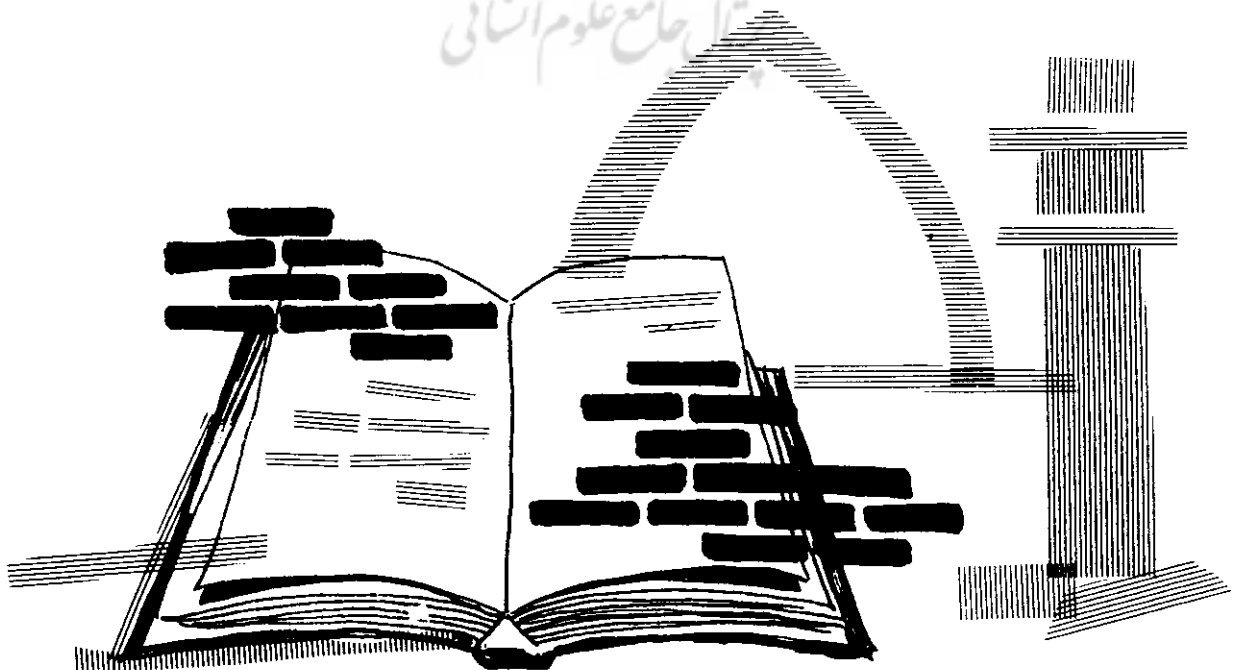
این اندیش‌وران صاحب‌دل، به عنوان «محقق»، «مفسر»، «مغیر»، با مشی ولایی و مَنشی عرفانی، صفحات زندگی خود را رقم زده‌اند. انجام تحقیقات صحیح و در مرحله بعد داشتن قدرت تفسیر و تحلیل یافته‌ها و در مراحل عالی‌تر، ایجاد تغییر و تحول در وضع جامعه و به عبارت دیگر تأثیر دادن آن یافته در حوزه مربوطه، توفیقات شایانی بوده که همه این حقیقت‌جویی‌ها در زمینه‌ای از مشی ولایی و منش عرفانی صورت گرفته است.

نیک می‌دانیم که استفاده از نتیجه تحقیق در مقام تفسیر و به کار بستن یافته‌های تفسیر در مقام تغییر، منزل‌های گمشده مسیر تعلیم و تحقیق در کاروان علم هستند.

تحقیقاً توجه به فرهنگ قرآن و دین مبین اسلام، برکات بسیار زیادی بر پیشرفت علم در کشور ما دارد که شاید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی



مدیریت را در هر امری به ویژه در این امر خطیر، مدد زیادی می‌رساند. البته در این میان، پرهیز از برخوردهای تند و غیر معقولانه و استفاده از اخلاق و مکارم اسلامی و ملایمت در کلام و رفتار، دقت در احوال شخصی و زندگی خویش، در دسترس بودن بودجه مناسب و لازم (که باید با صرفه جویی و نظارت مستمر هزینه گردد)، شاخص‌های بسیار مهمی برای کسب موفقیت در این حرکت مقدس می‌باشد.

### انگاره‌های ذهنی ناصواب از موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها

مهمترین خطری که اصل روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد، برداشت‌های ناصواب و شتابزده فردی، از «موضوع» و «فلسفه» اسلامی شدن دانشگاه‌هاست.

و تبدیل دانشگاه به یک کارگاه «مونتاز» سفارش‌های دریافتی و عرضه محصولات «استاندارد» و «بی‌خطر» فکری در بسته‌بندی‌های قدیمی و غیر جذاب که برخلاف نظر سفارش دهنده آن نه «باب» روز است و نه مشتری پسند!!

قائلین این نظر ناصواب، ماهیت و عملکرد دانشگاه را در هر حکومتی «بحران‌زا» می‌دانند و روند اسلامی شدن را به عنوان یک سیاست «پیشگیری» کننده از آن خطر و در جهت خلع ید دانشگاه تلقی می‌کنند.

بی‌هیچ مجامله و تکلفی باید گفت که یکی از اهداف ما در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، آگاه ساختن کامل دانشگاهیان از وقایع و تحولاتی است که در جهان می‌گذرد. دانشجویی که به تعبیر زیبای مقام معظم رهبری؛ «دانشجوی زمان خودش نیست»، به جهت همین معاصر نبودن با زمان، در فضا و خلاء

## ● مهمترین خطری که اصل روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد، برداشت‌های ناصواب و شتابزده فردی، از «موضوع» و «فلسفه» اسلامی شدن دانشگاه‌هاست.

دو انگساره ذهنی ناصواب درباره اسلامی شدن دانشگاه‌ها، اصلی‌ترین موانع پیش‌روی این حرکت مهم را تشکیل می‌دهند.

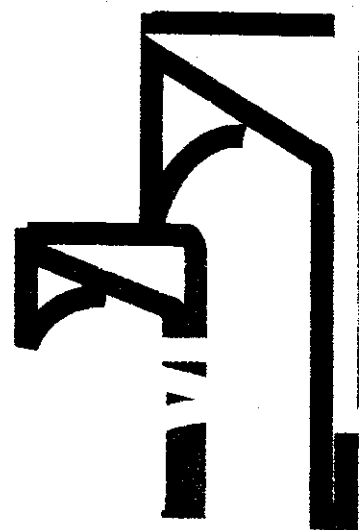
### ۱- حاکم کردن روحیه سیاسی کاری

عده‌ای از معاندان و بدخواهان، مهمترین رسالت اصلی اسلامی شدن دانشگاه‌ها را سیاسی شدن محض (از نوع بازی‌های سیاسی) اهالی دانشگاه و بازگفت حرف‌های عالم سیاست (بدون هیچ مطالعه و تحت هیچ ضابطه‌ای) در دانشگاه می‌دانند. همین عده بر القای این باور هستند که در اسلامی شدن دانشگاه‌ها قرار است همه تفکرات و آراء و نظریات دانشگاهیان در قالب‌ها و مدل‌های پیش ساخته و از قبل تعبیه شده‌ای ریخته شده و مطابق با اندازه‌ها و شاخص‌های قالب که در حد و قواره جامعه و مخصوصاً مطلوب «حکومت» است، فرآورده‌ها و «مصنوعات» فکری را به تعداد «انبوه» تولید کنند. طبق این نظر، اسلامی شدن دانشگاه‌ها عمدتاً برای مقابله با عناصر و صاحبان هر گونه تفکر و اندیشه است تا آنکه مجال و مقالی برای عرضه انتقادات و یا عرضه اعتراضات و گفته‌های نو، فراهم نشود و این یعنی سترون کردن فرهنگ بالنده و ثمرآور دانشگاه

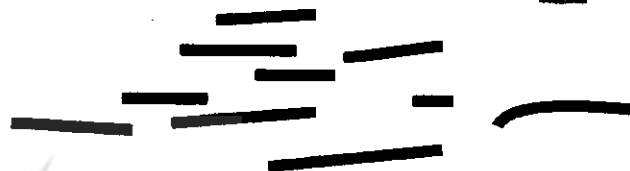
فکری خاصی به سر برده و از جامعه نیز دردی را نمی‌تواند درمان کند.

دانشجو و دانشگاهی وقتی متعلق به زمان خودش است که در هر شرایطی، تبعیت از دسته و گروه خاصی را بدون اندیشه و به دور از داور، نپذیرد و آزادانه، نظر و عقیده خود را ابراز دارد و در هر میدانی که برای جامعه و مصلحت نظام احساس خطر می‌کند، وارد میدان شود. اگر یک اهل دانشگاه از سر انصاف و دلسوزی، صحت یا بطلان عمل و یا گفتاری را به قضاوت و نقد و داورى بنشیند، یک کار سیاسی انجام داده است. در «کار سیاسی»، فرد به دنبال کشف و ترویج حقیقت برای فعالیتی اصلاحی است و این با «سیاسی کاری» که فرد یا ترفندها و با ملقمه‌ای از دورویی و فریب‌کاری، به دنبال زد و بندها و منافع گروهی است، تفاوت دارد.

البته عواملی چون «قانع شدن به شعار»، «عدم حضور فیزیکی دشمن در صحنه» و «عملکرد نامطلوب تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی» در تاراندن دانشجو و دانشگاهی از سیاست، نقش غیر قابل انکاری داشته‌اند. به عنوان مثال، بسیاری از برخوردها و مواضعی که به عنوان حرکت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها واقع شده‌اند، در اصل سیاسی نبوده،



● دانشگاه اسلامی مجموعه‌ای است که از دانش و خلاقیت و تجربه و ذهنیت عالی انسان‌ها به اضافه اخلاق و جهت صحیح این حرکت تا مقصد نهایی نشأت گرفته است.



ظواهر را نکرده و یا القای شبهاتی چون: «این روند، مقدمه‌ای برای تسویه حساب‌ها و برخورد با دانشگاهیان مخالف و یا متخلف است»، نظرها را از حوزه عمل اصلی که ساخت و یافت دانشگاه است، به امور سطحی و مسایلی پیش پا افتاده منحرف می‌کند.

گرچه این اعتقاد درست است که ظاهر دانشگاه نیز باید با شأن نظام جمهوری اسلامی همسویی داشته باشد، اما بسنده کردن به «قشر» و «پیرداختن به «لب»، خطر و آفتی است که از زاویه دیگری این حرکت مقدس را نشانه رفته است. حفظ و رعایت ارزش‌ها و شعایر تنها در ظاهر، مشکلی را حل نمی‌کند. این که مثلاً بانوان دانشگاهی حجاب کامل داشته باشند و یا به قول مقام معظم رهبری، آقایان با لباس آستین کوتاه مجاز به ورود به دانشگاه نباشند، آن هدف و غایتی نیست که منظور معظم له می‌باشد. باید دانشگاه را از درون و بر مبنای یک بینش و تحول عمیق، اسلامی کرد. آشنا ساختن دانشگاهیان با حقیقت و جاودانگی شریعت و نیز با ارزش‌های اخلاقی و رفتاری احکام الهی و اسلامی، از نقطه‌های آغازین این حرکت مبارک می‌باشند.

به فرموده مقام معظم رهبری:

«دانشگاه اسلامی مجموعه‌ای است که از دانش و خلاقیت و تجربه و ذهنیت عالی انسان‌ها به اضافه اخلاق و جهت صحیح این حرکت تا مقصد نهایی نشأت گرفته است.»  
والسلام

بلکه عقده‌گشایی‌هایی بوده‌اند که در حوزه مسایل سیاسی و با رنگ و لعاب سیاست مطرح گشته‌اند و در زمینه چنین برخوردهایی آنچه که به زیر سؤال می‌رود، دانشجو و دانشگاهی است.

دانشگاهیان باید با حضور صادقانه و دلسوزانه خود در عرصه سیاست، در روشنگری و وفاق ملی و ایجاد شور و شعور در متن جامعه، نقش اصلی و بی‌بدیل خود را ایفا نمایند. البته اعتصام به محور «ولایت» برای ایجاد وحدت و همدلی و دریافت هدایت و ارشاد، امری بدیهی است.

## ۲- برداشت سطحی از موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها

عده اندکی از قائلین به موضوع، بنا به دیدگاه‌های ناکامل خود، رسالت این حرکت را به طور عمده متوجه اصلاح ظواهر و احوال روبنایی مجموعه دانشگاه، بدون توجه و دقت بر احوال درونی آن (که البته تعمدی هم ندارند) دانسته و لاقفل در این برهه و بنا به قاعده «الاهم فی الاهم»، همه نظرها و نگاه‌ها را معطوف به تصحیح چهره بیرونی دانشگاه می‌دانند. نااهلان و بدخواهان هم که آرزوی شکست حرکت اسلامی شدن را در همان قدم‌های نخست به انتظار نشسته‌اند، سعی دارند با تقویت و تشدید آثار حدّثی این دیدگاه بر سیمای دانشگاه، حریف را هر چه زودتر از میدان به در کنند. رواج شایعاتی چون برخورد دانشگاه با فلان استادی که رعایت